

ساخت‌های نامعین کاربردی در فارسی معاصر

مهرداد مشکین‌فام^۱ (دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران)

مهرداد نغزگوی‌کهن^{۲*} (استاد زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱، تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۱

چکیده: هدف این پژوهش، بررسی معنای کاربردی «ساخت‌های نامعین» در زبان فارسی معاصر از منظر دستور ساختی است. در فارسی معاصر، ساخت نامعین $[X]NPi=i$... (Pajab) (če) معنای کاربردی تأکیدی، تقدیری و تحقیری را رمزگذاری می‌کند. علاوه بر این ساخت، این دوره از زبان فارسی ساخت‌های نامعین کاربردی $[X]seni|j$ (ye) با معنای تأکیدی، $[X]NPi$ با معنای تحقیری، $[ye/yak [X]NPi=i]$ با معنای تقدیری و $[yak [X]APi]$ با معنای تأکیدی وجود دارند. نشانه‌های نامعین (=i)، یه (ye) و یک (yak) در نقش‌های کاربردی تکیه‌براند؛ به این معنا که در رمزگذاری معنای کاربردی تأکیدی، تقدیری و تحقیری دارای دیرش بیشتری نسبت به همتای دستوری خود هستند و همچنین ذکر این نکته لازم است که این نشانه‌ها در نقش‌های تأکیدی و تقدیری نسبت به نقش تحقیری دیرش کم‌تری دارند و در رمزگذاری دو نقش اول افزایش شدت انرژی تولیدی تدریجی و در نقش بعدی کاهش انرژی تدریجی قابل مشاهده است. به منظور بررسی فارسی معاصر، بخشی از پیکره گفتاری برخط هم‌بام (HAMBAM)، متشکل از یک سخنرانی رسمی به مدت ۳۱ دقیقه و چند مصاحبه غیررسمی به مدت ۴۰ دقیقه و علاوه بر آن دو کتاب انتری که لوطیث مرده بود (چویک، ۱۳۹۵) و حاجی آقا (هدایت، ۱۳۳۰)، به‌عنوان پیکره این پژوهش برگزیده شدند. تحلیل‌های آوایی نشانه‌های «نامعین» موجود در ساخت‌های نامعین کاربردی را در پیکره گفتاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار پرت (praat) ۶/۰/۰۸ به‌دست داده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: نامعین، تکیه، کاربردشناسی، دستور ساختی، نقش‌گرایی، فارسی.

1. m.meshkinfam@alumni.basu.ac.ir

2. mehrdad.kohan@basu.ac.ir

* نویسنده مسئول

۱ مقدمه

اصطلاحات «معین»^۱ و «نامعین»^۲ در ارتباط با گروه‌های اسمی به کار برده می‌شوند^۳ (برای مثال ایات^۴، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶). مرجع گروه اسمی «معین» اغلب برای گوینده مشخص^۵ و برای مخاطب آشناست. اما، مرجع گروه اسمی «نامعین» درحالی‌که معمولاً برای گوینده مشخص است، برای مخاطب ناآشناست؛ این نوع گروه اسمی «نامعین مشخص» نام دارد. گاهی مرجع این گروه اسمی برای گوینده نیز نامشخص^۶ است؛ این قبیل گروه‌های اسمی، «نامعین نامشخص» هستند.

در زبان‌های جهان امکانات زبانی متفاوتی این دو مفهوم را رمزگذاری می‌کنند؛ برای نمونه، زبان‌های اروپا^۷ برای رمزگذاری مفاهیم «معین» و «نامعین» از امکانات زبانی ترتیب کلمه‌ها^۸، حرف تعریف^۹، تکیه جمله^{۱۰}، نظام حالت مقابله‌ای^{۱۱}، پسوندهای مطابقت فعلی^{۱۲} و پسوندهای وصفی^{۱۳} بهره می‌برند (هاینه^{۱۴} و کوتوا^{۱۵}، ۲۰۰۶: ۶۶).

در فارسی معاصر، نشانه‌های «یک/یه (yek/ye)»، «(=i)» و «یک/یه ... (=i)» نقش رمزگذاری مفهوم «نامعین» را ایفا می‌کنند. از لحاظ تاریخی، «یک» و «(=i)» هم‌ریشه هستند (فیلوت^{۱۶}، ۱۹۱۹؛ سال من^{۱۷}، ۱۹۳۰؛ برنر^{۱۸}، ۱۹۷۷؛ پلاتز^{۱۹}، ۱۹۱۱). پاول^{۲۰} (۲۰۰۸: ۳۱۰) این ریشه مشترک را در قالب شکل (۱) در زیر بازمی‌نماید:

1. Definite

2. indefinite

۳. در این پژوهش، به جای اصطلاح «معرفه» از اصطلاح «معین» و به جای اصطلاح «نکره» از اصطلاح «نامعین» بهره برده‌ایم. زیرا، هریک از دو اصطلاح «نامعین» و «معین»، اصطلاح دیگر را به ذهن متبادر می‌کند، اما این مسئله در مورد دو اصطلاح «معرفه» و «نکره» صادق نیست.

4. B. Abbott

5. specific

6. non-specific

7. Languages of Europe

8. word order

9. article

10. sentence stress

11. case opposition

12. verbal agreement suffix

13. adjectival suffix

14. B. Heine

15. T. Kuteva

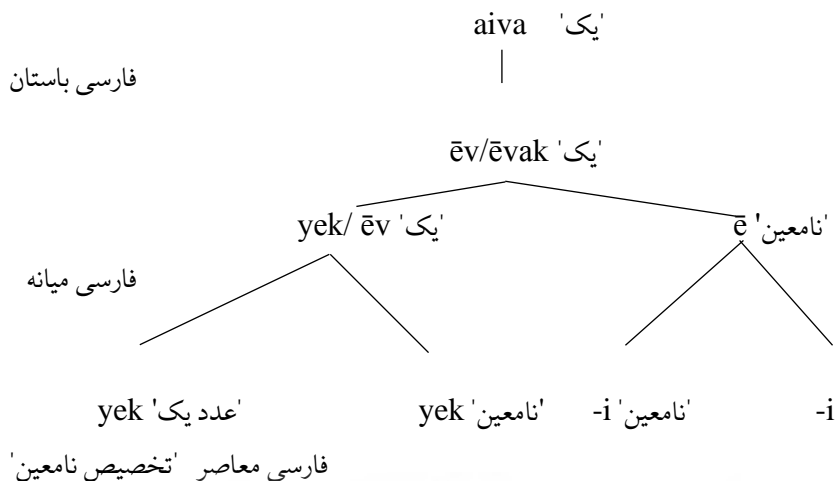
16. D. C. Phillott

17. C. Salemann

18. C. J. Brunner

19. J. T. Platts

20. D. Paul



شکل ۱- سیر تحول «یک» و «-ی» در زبان فارسی

البته، براساس این شکل کلمه *aiva* 'یک' در فارسی باستان به معنای عدد «یک» بوده و نقش بیان مفهوم «نامعین» را نداشته است. اما، در واقع این عنصر زبانی در فارسی باستان نقش «حرف تعریف نامعین» را نیز علاوه بر نقش «عدد» ایفا می‌کرده است (مشکین فام و نغزگوی کهن، ۱۴۰۰).

پژوهش‌های محدودی به معرفی ساخت‌های «نامعین کاربردی» در فارسی پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک از آن‌ها بر سر تعداد و انواع نقش‌های کاربردی ساخت «نامعین» توافق نظر ندارند و تفاوت ساخت‌های «نامعین کاربردی» را با «نامعین دستوری» مشخص نمی‌کنند. این پژوهش یک تقسیم‌بندی جدید از ساخت‌های نامعین کاربردی، براساس ویژگی‌های آوایی این ساخت‌ها در چارچوب دستور ساختی به دست می‌دهد. براساس بررسی‌های نگارندگان، رمزگذاری معنای کاربردی به وسیله ساخت‌های «نامعین» در زبان‌های جهان چندان پربسامد نیست.

اکنون، پژوهشگران بیش از دو دهه است که به رویکردهای ساخت‌بنیاد به زبان توجه ویژه‌ای داشته‌اند (برای نمونه گلدبرگ^۱، ۲۰۰۶؛ لانگاکر^۲، ۲۰۰۵؛ کرافت^۳، ۲۰۰۱؛ لیکاف^۴، ۱۹۸۷) و همچنین اخیراً از این رویکرد به منظور مطالعات گوناگونی‌ها و تغییرات زبانی بهره برده‌اند (برای مثال هلمن^۵، ۲۰۰۳؛ هیلپرت^۶، ۲۰۰۸). در این پژوهش نیز از اصطلاح ساخت بهره می‌بریم و از منظر

1. A. E. Goldberg
 3. W. Croft
 5. W. B. Hollmann

2. R.W. Langacker
 4. G. Lakoff
 6. M. Hilpert

دستور ساختی ساخت‌های «نامعین» کاربردی را در فارسی معاصر معرفی می‌کنیم. این پژوهش علاوه بر بخش حاضر (مقدمه)، دارای شش بخش دیگر نیز است. بخش دوم، متعلق به پیشینه پژوهش است. در بخش سوم، مبانی دستور ساختی تشریح شده است. بخش چهارم، به معرفی روش انجام پژوهش اختصاص دارد. توزیع ساخت‌های نامعین در فارسی معاصر، در بخش پنجم ارائه شده است. در بخش ششم، ساخت‌های نامعین کاربردی فارسی معاصر معرفی شده‌اند. در نهایت، این پژوهش با نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

۲ پیشینه پژوهش

همان‌طور که در بخش قبل ذکر شد، برخی پژوهشگران معناهای کاربردی برای نشانه‌های دستوری «نامعین» فارسی معاصر قائل هستند. در این بخش به علت کمبود فضا به چند مورد از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

در لغت‌نامه دهخدا «یای تعجب» ذکر می‌شود. وی معتقد است، این گونه «ی» در انتهای صفت تعجبی می‌آید و از قول صاحب براهین العجم این‌گونه نقل می‌کند: «این یاء نیز در صورتی که مخاطب باشد، معروف است»؛ مانند چه مرد زشتی! (دهخدا، بی تا: ۴). معروف و مجهول بودن «ی» را دهخدا این‌گونه تشریح می‌کند: «اگر حرکت ماقبل «ی»، کسره خالص بود، یعنی پر خوانده شود، «ی» معروف باشد؛ چون تیر و شیر و تقدیر و غیره و اگر کسره ماقبل آن خالص نباشد، یعنی پر خوانده نشود، «ی» مجهول است؛ چون تیغ و دریغ. یائی که ماقبل آن مفتوح باشد، نه معروف است و نه مجهول» (دهخدا، بی تا: ۲). اما، شاید بهتر باشد گفته شود این «ی» به صفت متصل می‌شود و نه صفت تعجبی. به احتمال زیاد منظور دهخدا از «معروف» و «مجهول» تکیه بر بودن و نبودن این نوع کاربرد «ی» است. اما، هیچ شواهد عینی از تکیه ارائه نمی‌دهد.

به همین صورت، ابن‌الرسول و خویگانی (۱۳۹۳) این «ی» را «یای اسلوب تعجب می‌نامند» و به منظور تشریح اظهارات خود بیت «مهرداد اوستا» را می‌آورند تا ابراز تعجب شاعر را با بهره‌گیری از این عنصر زبانی نشان دهند:

در عرصه اندیشه من با که توان گفت سرگشته چه فریادی و خونین چه نبردی است
(اسدی، ۱۳۸۲: ۹۷)

همچنین، برای این «ی» نقش تأکیدی نیز قائل هستند و نمونه‌های «زودی آمد و تندی رفت»

(معین، ۱۳۶۳: ۳۵) و «کبوتر، زودی پرواز کرد» (حلمی، ۱۹۹۳: ۱۶۰) را ارائه می‌دهند. این یاء را «یای تأکید قید» می‌نامند و کاربرد آن را در این نقش تنها با «قید» می‌دانند؛ اگرچه، معین و حلمی قائل به چنین نقشی برای «ی» نیستند.
پاول (۲۰۰۸) نیز سه نقش کاربردی را به‌تعبیر وی برای پسوند «-ی» ذکر می‌کند، این سه نقش عبارتند از:

الف) یای تصغیر یا تحقیر: مانند کلمه «عنکبوتی» در نمونه (۱) در زیر.
ب) یای تعظیم برای احترام: مانند کلمه «پیغمبری» در شاهد زیر:

۱. عنکبوتی می‌شود پیغمبری را پرده‌دار. (فیلوت، ۱۹۱۹: ۱۳۳).
- پ) یای تأکید: مانند کلمه «عالمی» که به معنای 'کل دنیا' است.

پاول هیچ اشاره‌ای به ویژگی‌های خاص زبانی این نوع کاربرد «ی» و تفاوت آن با کاربرد دستوری‌اش نمی‌کند و تنها به وجود چنین معناهایی قائل است.
علاوه بر این، ماهوتیان (۱۳۷۸) به معناهای کاربردی نشانه‌های «نامعین» در فارسی اشاره می‌کند. وی در این راستا اظهار می‌دارد؛ پسوند «-ی» یا ترکیب «یه ... -ی/یک ... -ی» را می‌توان به اسامی قابل شمارش جمع افزود و معنای «چند» را القا کرد، مانند:

۲. (یه) دانشجوهای

اگر «یه (یک) و یه ... -ی/یک ... -ی» با اسامی غیر قابل شمارش بیابند، مفرد بودن را می‌رسانند. اگر فقط پسوند «-ی» با اسامی غیر قابل شمارش بیاید، معنی «چند» را می‌رساند. با قراردادن این پسوند پس از اسامی غیر قابل شمارش جمع به انواعی از آن اسم اشاره خواهد شد. نمونه‌های زیر این موارد را باز می‌نمایند:

۳. یه قهوه (-ئی)

۴. قهوه-ئی

۵. قهوه-ها-ئی

در همین راستا، لمبتن^۱ (۲۰۰۳) به کاربرد «=ی» به‌عنوان جزئی که تأکید بر کیفیت دارد، اشاره می‌کند. وی اظهار می‌دارد؛ کلمه «چه» همیشه با «=ی» به‌کار می‌رود:

۶. مردی است به معنای 'مرد خوبی است'.

۷. چه کتابی به معنای 'کتاب خوبی'.

این پژوهش‌ها دال بر رمزگذاری معناهای کاربردی با بهره‌گیری از نشانه‌های «نامعین» در زبان فارسی هستند. معناهای کاربردی بیشتر خاص گونه‌گفتاری زبان هستند، اما در این پژوهش‌ها فقدان پیکره‌گفتاری و تحلیل‌های آوایی این نوع ساخت‌ها وجود دارد. بنابراین، در هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق‌الذکر تفاوت زبانی بین ساخت‌های «نامعین دستوری» و «نامعین کاربردی» مشاهده نمی‌شود. همچنین، بر روی تعداد، اسامی و نقش‌های کاربردی ساخت‌های «نامعین» توافق نظر وجود ندارد، به این معنا که اصطلاحات متفاوتی برای نامیدن این دست ساخت‌ها تاکنون به‌کار رفته است. برخلاف این مطالعات در این پژوهش، با بهره‌گیری از پیکره‌گفتاری و تحلیل‌های آوایی، هم‌بسته‌های آوایی ساخت‌های «نامعین» در ایفای نقش‌های کاربردی ارائه خواهد شد. همچنین، به یک جمع‌بندی از نقش‌ها و نام‌گذاری این نوع ساخت‌ها دست خواهیم یافت. در بخش بعد، به معرفی دستور ساختی می‌پردازیم.

۳ دستور ساختی

در حال حاضر تنها یک نظریه دستور ساختی^۲ وجود ندارد؛ بلکه، تمام رویکردهای ساخت‌بنیاد که مفهوم ساخت و مفاهیم بنیادین آن را پذیرفته‌اند، نوعی دستور ساختی نام دارند (هافمن^۳ و ترازدال^۴، ۲۰۱۱: ۴). بنابراین، می‌توان این رویکردها را خانواده‌ی رویکردهای ساختی^۵ نامید. ازمنظر دستور ساختی، در همه‌ی سطوح زبانی با ساخت مواجه هستیم. منظور از ساخت،

1. A. K. S. Lambton
3. T. Hoffmann
5. constructionist approach

2. Construction Grammar
4. G. Trousdale

جفت‌های صورت و معناها یا نقش‌های کاربردی ذهنی متعارف است (گلدبرگ، ۲۰۰۶: ۵)؛ علاوه بر این، والیما-بلوم^۱ (۱۹۹۳) آهنگ^۲ را نیز یک مشخصه ممیز ساخت معرفی می‌کند؛ بنابراین، ساخت شامل ویژگی‌های نوایی^۳ مانند تکیه^۴ نیز می‌شود. این ساخت‌ها و در واقع طرحواره‌ها در ذهن گویشور به صورت یک فهرست خرید وجود ندارند؛ بلکه، شبکه‌ای ساختارمند را تشکیل می‌دهند (کرافت و کروز^۵، ۲۰۰۴: ۲۶۵-۲۶۲). در همین راستا، مایکلایس^۶ و لمبرخت^۷ (۱۹۹۶: ۲۱۶) اظهار می‌دارند:

«در دستور ساختی، دستور نمایانگر فهرستی از مجموعه‌های صورت-معنا-نقش است که در آن کلمات از ساخت‌های دستوری تنها براساس پیچیدگی درونی متمایز می‌شوند. فهرست ساخت‌ها غیر ساختارمند نیست؛ بلکه، مانند یک نقشه است تا یک فهرست خرید. عناصر در این فهرست از طریق ارث سلسله‌مراتبی^۸ به یکدیگر در ارتباطند که شامل الگوهای کم و بیش کلی می‌شود.»

در این پژوهش، از مفاهیم دستور ساختی کمک می‌گیریم تا ساخت‌های «نامعین کاربردی» را در فارسی معاصر معرفی و بررسی کنیم. به این معنا که جفت‌های «صورت نامعین-معنای نامعین-معنای کاربردی نامعین-ویژگی نوایی» ساخت‌های «نامعین» کاربردی را به دست دهیم.

۴ روش انجام پژوهش

در این پژوهش، ابتدا توزیع نشانه‌های رمزگذار مفهوم «نامعین» را در فارسی معاصر نوشتاری و گفتاری براساس پیکره منتخب به منظور ارائه تصویری روشن از ساخت‌های «نامعین» به دست می‌دهیم. سپس، در فارسی معاصر به دلیل در دسترس بودن پیکره گفتاری، از این پیکره برای

1. R. Välimaa-Blum
3. prosody
5. D. A. Cruse
7. K. Lambrecht

2. Intonation
4. stress
6. L. A. Michaelis
8. hierarchical inheritance

استخراج نقش‌های کاربردی بهره می‌بریم؛ زیرا، معناهای کاربردی بیشتر مخصوص گونه گفتاری هستند و دلیل دوم اینکه با وجود پیکره گفتاری تحلیل‌های آوایی نشانه‌های «نامعین» رمزگذار معناهای کاربردی که بخشی از ویژگی ساخت به حساب می‌آیند، در فارسی معاصر محقق می‌شود و با بهره‌گیری از این تحلیل‌های آوایی به‌طور علمی می‌توان بین ساخت‌های «نامعین دستوری» و «نامعین کاربردی» تمایز گذاشت.

نشانه‌های «نامعین» در نقش‌های کاربردی تکیه بر هستند. مهم‌ترین هم‌بسته‌های آوایی تکیه در زبان‌های انگلیسی، هلندی و فارسی عبارت‌اند از: زیروبمی^۱، دیرش^۲، بلندی صدا^۳ و کیفیت واکه^۴ (بکمن^۵، ۱۹۸۶: ۵۱؛ لهیسته^۶، ۱۹۷۰: ۱۵)؛ اما، زیروبمی و دیرش مهم‌ترین هم‌بسته‌های تکیه واژگانی هستند و شدت انرژی به‌عنوان هم‌بسته صوت‌شناختی بلندی صدا بر درک شنیداری تکیه اثر کم‌تری دارد (فرای^۷، ۱۹۵۵: ۷۶۵)، اما در برخی زبان‌ها، مانند روسی هم‌بسته شدت انرژی به درک تکیه در زبان نسبت به دیگر هم‌بسته‌ها کمک شایانی می‌کند (کراباسزک^۸ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین، هم‌بسته‌های تکیه زبان‌ویژه هستند؛ صادقی (۱۳۹۱) نیز در زبان فارسی بر هم‌بسته دیرش برای درک تکیه تأکید می‌کند. در این پژوهش نیز زیروبمی به تحلیل آوایی نقش‌های کاربردی نشانه‌های «نامعین» کمک چندانی نمی‌کند؛ بنابراین، تأکید تحلیل‌های آوایی نشانه‌های «نامعین» در ساخت‌ها در درجه اول بر روی دیرش و دوم بر روی شدت انرژی است تا بتوان میزان آن‌ها را با بهره‌گیری از نرم‌افزار پرت ۶/۰/۰۸ با میزان دیرش و شدت انرژی نشانه‌های «نامعین» در نقش دستوری مقایسه کرد. در تحلیل‌های آوایی، طیف‌نگاشت^۹ نشانه‌های «نامعین» را ارائه می‌دهیم تا بیشتر هم‌بسته‌های آوایی قابل استخراج باشند. در طیف‌نگاشت، خط زردرنگ نشان‌دهنده شدت انرژی و میزان دیرش در پایین طیف‌نگاشت قابل ملاحظه است.

در این پژوهش، فارسی معاصر دارای دو پیکره گفتاری و نوشتاری است؛ دو کتاب حاجی آقا به‌قلم صادق هدایت (۱۳۳۰) و انتری که لوطیش مرده بود نوشته صادق چوبک (۱۳۹۵) پیکره

1. pitch

3. loudness

5. M. E. Beckman

7. D. B. Fry

9. spectrum

2. duration

4. vowel quality

6. I. Lehiste

8. A. Chrabaszc

نوشتاری این دوره از زبان فارسی را تشکیل می‌دهند.^۱ بخش اعظم پیکره گفتاری این پژوهش، مستخرج از پروژه مشترک «HAMBAM» دانشگاه بامبرگ آلمان و دانشگاه بوعلی سینا است که زیر نظر دکتر جفری هیگ و دکتر محمد راسخ مهند در حال انجام است.^۲ مواد زبانی مورد استفاده از این پروژه شامل ۳۱ دقیقه سخنرانی رسمی و ۴۰ دقیقه مصاحبه‌های غیررسمی است که با استفاده از نرم‌افزار ای‌لن^۳ ۵/۱، مستندسازی شده‌اند.

۵ توزیع ساخت‌های نامعین در فارسی معاصر

در این بخش، ابتدا به توزیع ساخت‌های نامعین در فارسی معاصر نوشتاری و سپس در فارسی معاصر گفتاری می‌پردازیم.

۵-۱ توزیع ساخت‌های نامعین در فارسی معاصر نوشتاری

در فارسی معاصر نوشتاری مفهوم «نامعین» با بهره‌گیری از سه نوع نشانه دستوری رمزگذاری می‌شود؛ ۱- یک (yek)، ۲- ی (=i) و ۳- یک ... ی (=i yek). در زیر به تفکیک شواهدی را از پیکره ارائه می‌دهیم:

الف) کاربرد حرف تعریف «یک (yek)»:

۸. یک عصای سرنقره هم دستش می‌گرفت. (هدایت، ۱۳۳۰: ۳۷)

۹. یک انتر ماده جلوش سبز شده بود. (چوبک، ۱۳۹۵: ۷۱)

ب) کاربرد واژه‌بست «ی (=i)»:

۱۰. در دالان صدای بیچه‌ای شنیده شد. (هدایت، ۱۳۳۰: ۲۱)

۱۱. قدقد و شیون مرغی بلند شد. (چوبک، ۱۳۹۵: ۵۱)

پ) نشانه نامعین ترکیبی گسسته «یک ... ی (=i yek)»:

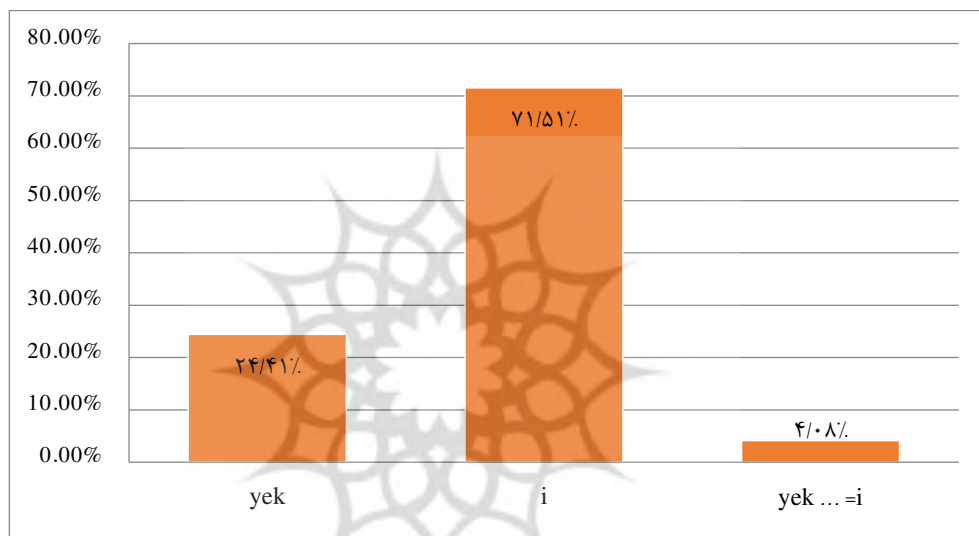
۱. از هرکتاب به‌طور تصادفی دوازده هزار واژه ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته و شیوه نگارش منبع اصلی در خط فارسی حفظ شده‌است.

۲. نشانی برخط این پروژه <https://multicast.aspra.uni-bamberg.de/resources/hambam> است. نمونه‌هایی که منبع آن‌ها ذکر نشده‌است، مستخرج از همین پیکره گفتاری هستند.

۱۲. یک فرماندهی گفتند یک فرمانبرداری. (هدایت، ۱۳۳۰: ۳۴)

۱۳. یک دوائی آورده بودند. (هدایت، ۱۳۳۰: ۲۰)

در پیکره فارسی معاصر نوشتاری مورد بررسی، ۱۵۶ حرف تعریف «یک (yek)»، ۴۵۷ صورت وابسته «ی (=i)» و ۲۶ صورت ترکیبی «یک ... ی (=i ... yek)» قابل مشاهده است. در نمودار زیر این بسامد وقوع به وضوح به تصویر کشیده شده است:



نمودار ۱- مقایسه بسامد وقوع کاربرد سه نشانه نامعین در فارسی معاصر نوشتاری

براساس نمودار بالا، بسامد وقوع واژه بسامد نامعین با بیشترین مقدار و حرف تعریف نامعین در جایگاه دوم، به ترتیب نسبت به ساخت نامعین گسسته بیشتر است.

۲-۵ توزیع ساخت‌های نامعین در فارسی معاصر گفتاری

همانند پیکره نوشتاری، سه نشانه دستوری «یک (yek)»، «ی (=i)» و «یک ... ی (=i ... yek)» در پیکره گفتاری به منظور رمزگذاری مفهوم «نامعین» مشاهده می‌شود. اما، در بافت‌های غیررسمی، حرف تعریف «yek» ساییده‌تر شده و به «یه (ye)» تغییر صورت داده است. در ادامه،

به تفکیک به ارائه شواهدی از پیکره گفتاری می‌پردازیم^۱.

الف) حرف تعریف «یک (yek)» و «یه (ye)»: در مصاحبه غیررسمی، شاهد حرف تعریف «یه (ye)» در نمونه (۱۴) و در سخنرانی رسمی شاهد وجود حرف تعریف «یک (yek)» در نمونه (۱۵) هستیم:

۱۴. یه قفس آهنی داشتیم.

۱۵. یک گروه نخبه گروه برنامه‌ریز نیاز رو از بیرون تشخیص می‌دن.

ب) واژه‌بست «ی (=i)»:

۱۶. صندوق‌هایی هستن با مشارکت معمولاً دوازده تا پانزده نفر.

۱۷. م که کسی ندارم.

پ) صورت ترکیبی گسسته «یک/یه ... ی (=i)» در مورد این صورت ترکیبی نیز هرگاه بافت گفتمان رسمی است، معمولاً با صورت «یک ... ی (=i)» و هرگاه غیررسمی است، معمولاً با صورت «یه ... ی (=i)» مواجه هستیم. در زیر نمونه (۱۸) از مصاحبه غیررسمی و نمونه (۱۹) از سخنرانی رسمی استخراج شده‌اند:

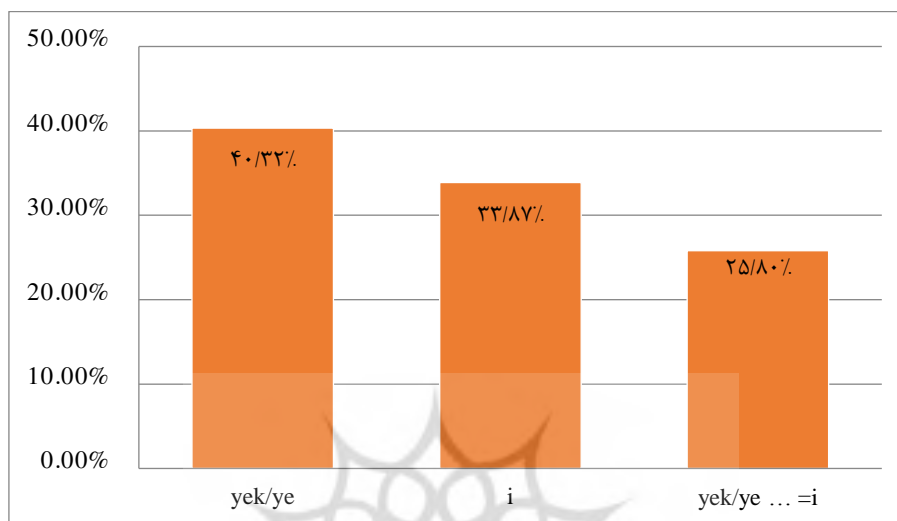
۱۸. یه دکتر ماهرِی فردیس بود.

۱۹. یک مسأله جدیدی باز بروز پیدا می‌کنه.

همان‌طور که مشخص است، در فارسی معاصر گفتاری نیز با چند نشانه «نامعین» روبه‌رو هستیم. به منظور مقایسه بسامد وقوع انواع نشانه‌های «نامعین» در فارسی معاصر گفتاری با نوشتاری ابتدا از تمایز بین «یه (ye)» و «یک (yek)» چشم‌پوشی می‌کنیم. بر این اساس، در پیکره گفتاری این پژوهش، در مجموع ۱۲۴ ساخت نامعین به‌کار رفته است. از این ۱۲۴ ساخت، ۵۰ ساخت با حرف تعریف «یه/یک (ye/yek)»، ۴۲ ساخت با واژه‌بست «ی (=i)» و ۳۲ ساخت با صورت ترکیبی «یه/یک ... ی (=i)» رمزگذاری شده‌اند. نمودار زیر مقایسه بسامد وقوع این

۱. نمونه‌های فارسی معاصر گفتاری با بهره‌گیری از خط عامیانه نگاشته شده‌اند؛ به این معنا که تلفظ کلمات عیناً در خط فارسی بازتاب یافته است.

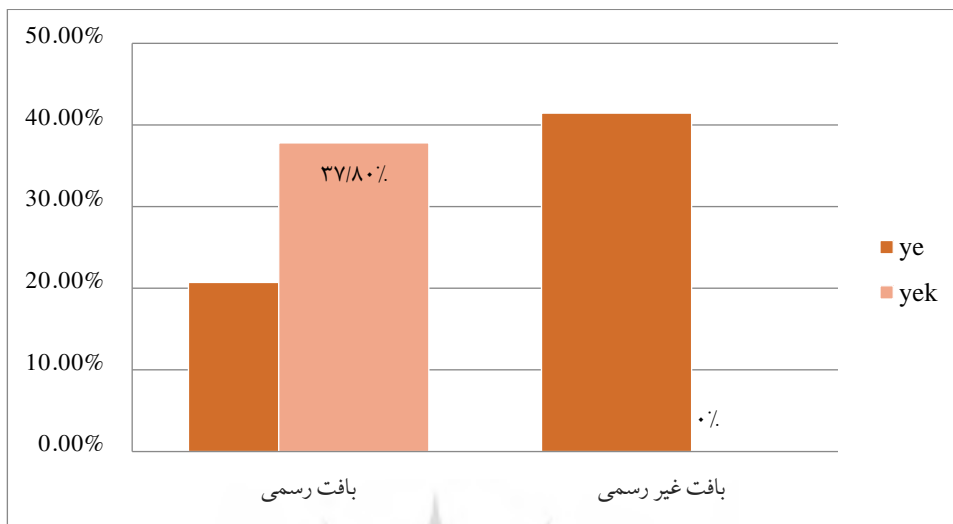
نشانه‌ها را تسهیل می‌کند:



نمودار ۲- مقایسهٔ بسامد وقوع کاربرد سه نشانهٔ نامعین در فارسی معاصر گفتاری

همان‌طور که مشخص است، در فارسی گفتاری برخلاف فارسی نوشتاری، «حرف تعریف نامعین» در رمزگذاری «مفهوم نامعین» بسامد وقوع بالاتری دارد. اما، در هر دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری صورت ترکیبی «یه/یک ... =i» نسبت به دو نشانهٔ «نامعین» دیگر بسامد وقوع پایین‌تری را به خود اختصاص می‌دهد.

قبلاً این نکته ذکر شد که صورت حرف تعریف «یک (yek)» در بافت‌های رسمی و صورت «یه (ye)» در بافت‌های غیررسمی کاربرد دارد. در کل پیکرهٔ گفتاری این پژوهش که شامل ۸۲ ساخت «نامعین» با حضور «حرف تعریف» می‌شود، در بافت رسمی، ۳۱ مورد «یک (yek)» و ۱۷ مورد «یه (ye)» به چشم می‌خورد. در بافت غیررسمی، تنها شاهد وجود ۳۴ مورد «یه (ye)» هستیم و صورت «یک (yek)» در پیکره مشاهده نمی‌شود. نمودار زیر این مقایسه را ممکن می‌کند:



نمودار ۳- مقایسهٔ بسامد وقوع حرف تعریف «یه / یک (ye / yek)» در بافت رسمی و غیررسمی

براساس نمودار فوق، در بافت رسمی معمولاً صورت حرف تعریف «یک (yek)» کاربرد دارد و در بافت غیررسمی این صورت اصلاً به کار نمی‌رود. البته، نمی‌توان این مقدار را صفر مطلق دانست؛ زیرا، ممکن است با بررسی پیکره‌های دیگر در فارسی معاصر گفتاری نیز به این صورت «حرف تعریف» برخورد. اما، هر مقداری هم که باشد، مقدار آن به‌طور قابل ملاحظه‌ای کم‌تر از صورت «یه (ye)» خواهد بود.

ساخت‌های «نامعین دستوری» در فارسی معاصر گفتاری و نوشتاری به قرار زیر هستند:

- | | | |
|--------------------------|----|------------------------|
| 20. $[[X]_{NPI=i}]_j$ | ←→ | 'مفهوم نامعین' $[X]_j$ |
| 21. $[yek[X]_{NPI}]_j$ | ←→ | 'مفهوم نامعین' $[X]_j$ |
| 22. $[yek[X]_{NPI=i}]_j$ | ←→ | 'مفهوم نامعین' $[X]_j$ |
| 23. $[ye [X]_{NPI=i}]_j$ | ←→ | 'مفهوم نامعین' $[X]_j$ |
| 24. $[ye [X]_{NPI}]_j$ | ←→ | 'مفهوم نامعین' $[X]_j$ |

اکنون با تصویری واضح از توزیع ساخت‌های «نامعین» در فارسی معاصر، در بخش بعد به بررسی معناهای کاربردی ساخت‌های نامعین خواهیم پرداخت.

۶ ساخت‌های نامعین کاربردی در فارسی معاصر

در این بخش، به معرفی ساخت‌های نامعینی که معناهای کاربردی را علاوه بر معنای دستوری رمزگذاری می‌کنند، به عبارتی ساخت‌های «نامعین کاربردی» در فارسی معاصر می‌پردازیم.

۱-۶ واژه‌بست نامعین کاربردی (=i) در فارسی معاصر

در فارسی معاصر، واژه‌بست نامعین «=i» معناهای کاربردی 'تأکیدی'، 'تقدیری' و 'تحقیری' را رمزگذاری می‌کند. گروه اسمی‌ای که دارای این واژه‌بست کاربردی است، معمولاً با تشدیدکننده «چه» و گاهی با تشدیدکننده «عجب» همراه می‌شود. شواهد زیر از پیکره، این معناهای کاربردی و ویژگی‌های آوایی آن‌ها را باز می‌نمایند:

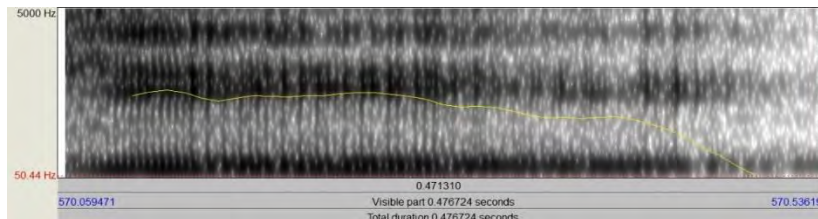
۲۵. فرهاد بزرگ که بود، چه بزرگی^۱ همش مریض.

در این نمونه، گوینده انتظار دارد بچه‌ای که بزرگ‌تر است قوی‌تر و سالم‌تر باشد، اما با بهره‌گیری از ساخت کاربردی «چه ... =i) (če ... =i)» وضعیت متضاد و نامطلوب بچه مورد نظر را می‌رساند. در واقع، در شاهد فوق واژه‌بست کاربردی «=i) (=i)» بیانگر معنای کاربردی 'تحقیری' و نسبت به واژه‌بست دستوری «=i)» دارای دیرش بسیار بیشتری است و انرژی آن به تدریج کاهش می‌یابد؛ این ویژگی‌های آوایی در طیف‌نگاشت (۱) در ادامه قابل ملاحظه هستند. طر حواره این ساخت در زیر آمده است:

26. [X]_j, 'تحقیری', [X]_j ← → [X]_{NPI=i} ... عجب (ʔajab) یا چه (če) [X]_j.
بیشتر و کاهش انرژی

در زیر طیف‌نگاشت (۱) واژه‌بست «=i) (=i)» در کلمه «بزرگی» قابل مشاهده است:

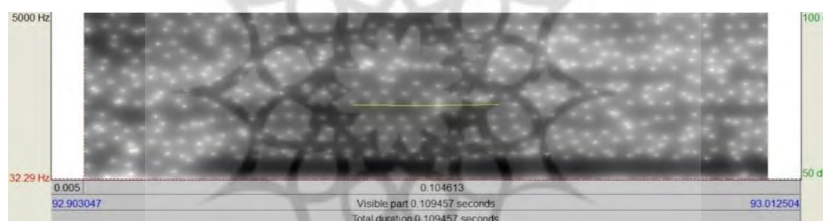
۱. در این نمونه، واژه‌بست «=i) (=i)» به ناچار روی صفت «بزرگ» ظاهر شده؛ زیرا، «چه بزرگی» یک گروه اسمی بدون هسته است و هسته آن در واقع «بچه» بوده که در اینجا حذف شده است.



طیف‌نگاشت ۱- واژه‌بست «=i» در کلمه «بزرگی» در جمله ۲۵

در طیف‌نگاشت بالا، کاهش تدریجی شدت تولید و دیرش بسیار زیاد (۰/۴۷ ثانیه) واژه‌بست کاربردی «=i» مشهود است. این شدت تولید و دیرش را می‌توان با واژه‌بست دستوری «=i» در نقش رمزگذاری مفهوم دستوری «نامعین» مقایسه کرد. طیف‌نگاشت (۲) در زیر که متعلق به جمله (۲۷) است، این مقایسه را ممکن می‌سازد:

۲۷. اصن کسی بهم نگفت.



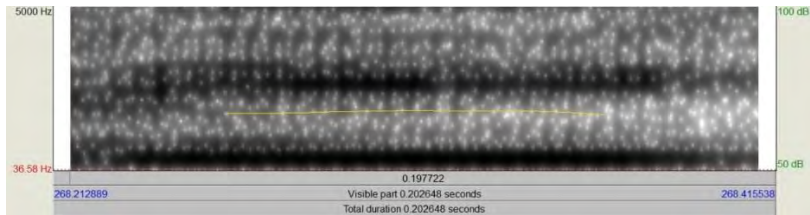
طیف‌نگاشت ۲- واژه‌بست «=i» در کلمه «کسی» در جمله ۲۷

همان‌طور که در طیف‌نگاشت فوق مشاهده می‌شود، دیرش نشانه نامعین «=i» (۰/۱۰ ثانیه) است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای کم‌تر از دیرش آن در نقش کاربردی 'تحقییری' در نمونه (۲۵) است. همچنین، شدت انرژی یک‌نواخت این عنصر دستوری در این طیف‌نگاشت واضح است. در نمونه (۲۸) در زیر معنای کاربردی 'تأکیدی' از واژه‌بست کاربردی «=i» قابل استخراج است:

۲۸. سه‌رای مردآباد تصادف کنن، تصادف بدی.

طیف‌نگاشت (۳) در زیر نمایانگر هم‌بسته‌های آوایی واژه‌بست کاربردی «=i» در کلمه «بدی» در جمله (۲۸) است. در زیر طرحواره این ساخت کاربردی (۲۹) قابل مشاهده است:

29. $[X]_{NPi=i} \longleftrightarrow [X]_j$, 'تأکیدی', $=i =$ عجب (Pajab) یا چه (če) ...
دیرش بیشتر و افزایش انرژی



طیف‌نگاشت ۳- واژه‌بست «=i» در کلمه «بدی» در جمله ۲۸

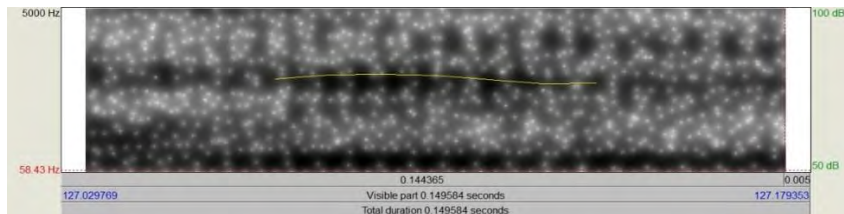
همان‌طور که مشخص است، واژه‌بست کاربردی «=i» در نمونه (۲۸) دارای دیرش بیشتری (۱۹/۰ ثانیه) نسبت به واژه‌بست دستوری «=i» (۱۰/۰ ثانیه) در نمونه (۲۷) و دیرش کم‌تری نسبت به این واژه‌بست در نقش بیان معنای 'تحقیری' (۴۷/۰ ثانیه) در نمونه (۲۵) است. افزایش شدت انرژی در این نمونه چندان محسوس نیست، اما تا حدی مشخص است. در نمونه (۳۰) در زیر، شاهد رمزگذاری معنای کاربردی 'تقدیری' با بهره‌گیری از واژه‌بست کاربردی «=i» هستیم:

۳۰. عجب باغیه.

در زیر طرحواره این ساخت به‌دست داده شده‌است:

31. $[X]_{NPi=i} \longleftrightarrow [X]_j$, 'تقدیری', $=i =$ دیرش بیشتر و افزایش انرژی ... عجب (Pajab) یا چه (če) ...

طیف‌نگاشت (۴) در زیر دیرش بیشتر واژه‌بست کاربردی «=i» (۱۴/۰ ثانیه) را در کلمه «باغیه» در نمونه (۳۰) نسبت به واژه‌بست دستوری نامعین «=i» و افزایش انرژی آن را باز می‌نماید:



طیف‌نگاشت ۴- واژه‌بست «=i» در کلمه «باغیه» در جمله ۳۰

در پیکره نوشتاری نیز چنین ساخت‌هایی وجود دارند، اما معمولاً در داستان‌ها و زمانی که یک شخصیت در حال صحبت کردن است. در زیر، نمونه (۳۲) معنای 'تأکیدی'، (۳۳) 'تقدیری' و (۳۴) 'تحقیری' دارند:

۳۲. چه تب تندی داری! (چوبک، ۱۳۹۵: ۴۲)

۳۳. حاجی میرزا آقاسی کم کسی بود؟ (هدایت، ۱۳۳۰: ۱۲)

۳۴. اگر چه قابلی نداشت. (هدایت، ۱۳۳۰: ۱۶)

پس از بررسی کل پیکره به همین شیوه، مشخص شد که واژه‌بست کاربردی «=i» در فارسی معاصر سه معنای کاربردی 'تأکیدی'، 'تقدیری' و 'تحقیری' را می‌رساند و در این نقش تکیه‌بر است.

۶-۲ حرف تعریف کاربردی «(ye)»

در فارسی معاصر، طبق پیکره پژوهش حرف تعریف «(ye)» نیز علاوه بر رمزگذاری مفهوم نامعین، رمزگذار معنای کاربردی 'تأکیدی' و 'تحقیری' است. برای نمونه، در شاهد زیر این حرف تعریف معنای کاربردی 'تأکیدی' را در مورد جمله پس از خود می‌رساند:

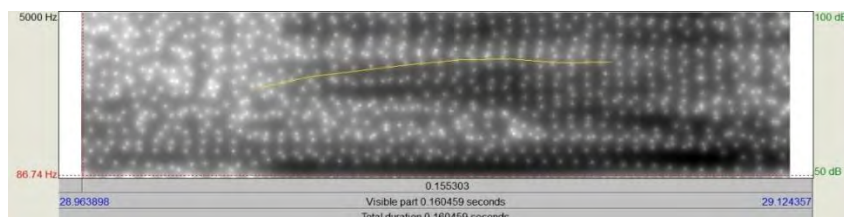
۳۵. سمانه یه اتاقتو تمیز کن.

طرحواره این ساخت کاربردی در زیر آمده است:

36. [X]_j, 'تأکیدی', ye = افزایش → [X]_{seni}]j یه (ye)

انرژی

در این نقش کاربردی، «یه (ye)» نسبت به حرف تعریف «یه (ye)» در نقش دستوری، دیرش بیشتری دارد و همچنین با افزایش تدریجی انرژی همراه است. به منظور مشاهده این هم‌پسته‌های آوایی، در زیر طیف‌نگاشت (۵) «یه (ye)» در شاهد (۳۵) ارائه می‌شود:

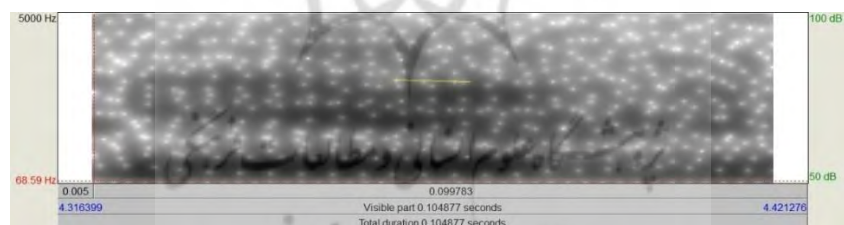


طیف‌نگاشت ۵- حرف تعریف کاربردی «یه (ye)» در جمله ۳۵

همان‌طورکه از طیف‌نگاشت فوق قابل استخراج است، دیرش «یه (ye)» در نقش کاربردی برابر با «۱۵/۰ ثانیه» و شدت انرژی آن روبه افزایش است. این مقادیر را با مقادیر «یه (ye)» در نقش حرف تعریف «نامعین» با استفاده از نمونه زیر می‌توان مقایسه کرد:

۳۷. یه برادر داشتم.

در زیر طیف‌نگاشت (۶) نمونه (۳۷) آمده است:



طیف‌نگاشت ۶- حرف تعریف «یه (ye)» در جمله ۳۷

در این طیف‌نگاشت مشخص است که دیرش «یه (ye)» در نقش دستوری رمزگذار مفهوم «نامعین» نیم برابر کم‌تر از دیرش آن در نقش کاربردی تأکیدی و برابر با «۹/۰ ثانیه» است. علاوه بر این، انرژی تولیدی آن یک‌نواخت است. در نتیجه، حرف تعریف نامعین «یه (ye)» نیز در نقش کاربردی هم‌پسته‌های آوایی متفاوتی از نقش دستوری خود دارد.

در نمونه زیر شاهد رمزگذاری معنای تحقیقی با بهره‌گیری از حرف تعریف کاربردی «یه (ye)»

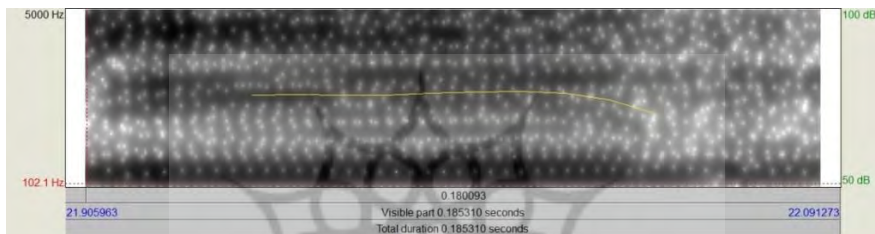
هستیم:

۳۸. به دختر مثلاً فک کن بیست و هفت بیست و هشت سالسا.

در زیر طر حواره این ساخت قابل مشاهده است:

39. $[(ye)] \longleftrightarrow [X]_{NPi}j$ به $[X]_{jz}$, 'تحقیری', 'کاهش انرژی', 'بیشتر و کاهش انرژی'

طیف‌نگاشت (۷) در زیر تحلیل آوایی «یه (ye)» را در جمله (۳۸) نشان می‌دهد:



طیف‌نگاشت ۷- حرف تعریف کاربردی «یه (ye)» در جمله ۳۸

از طیف‌نگاشت بالا قابل استخراج است که حرف تعریف «یه (ye)» در نقش معنای کاربردی 'تحقیری' 'بیشتری' (۱۸/۰ ثانیه) حتی از نقش کاربردی 'تأکیدی' این حرف تعریف (۱۵/۰ ثانیه) دارد و برخلاف نقش 'تأکیدی'، از انرژی تولید این حرف تعریف در نقش 'تحقیری' به تدریج کاسته شده است.

همان‌طور که مشخص است، براساس پیکره منتخب پژوهش حاضر، حرف تعریف کاربردی «یه (ye)» معنای کاربردی 'تقدیری' را رمزگذاری نمی‌کند.

۳-۶ صورت ترکیبی کاربردی «یه ... =ی (=i)»

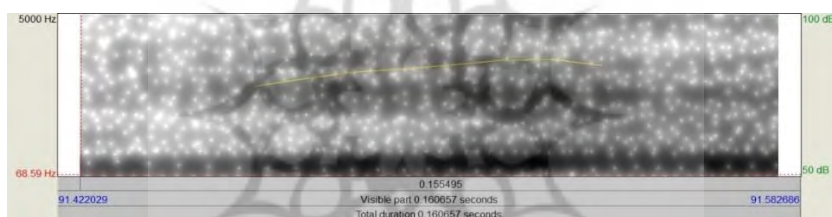
در فارسی معاصر، به تبعیت از دو نشانه نامعین «ی (=i)» و «یه (ye)»، ساخت نامعین «یه ... =ی (=i)» نیز کاربردی شده است. برای نمونه، در شاهد زیر (۴۰) این ساخت علاوه بر معنای 'نامعین' معنای کاربردی 'تقدیری' را نیز رمزگذاری می‌کند. به این معنا که فرد مورد نظر ماشین بسیار خوبی دارد:

۴۰. یه ماشینی داره! اصن آدم می‌شینه توش احساس می‌کنه تو هواپیما نشسته.

در این ساخت ویژگی‌های کاربردی شدگی و آوایی واژه‌بست کاربردی «(=i)» و حرف تعریف کاربردی «(یه)» دقیقاً مانند ویژگی‌های آن‌ها در بافت‌هایی است که به‌تنهایی به‌کار می‌روند. طرح‌واره این ساخت در زیر قابل ملاحظه است:

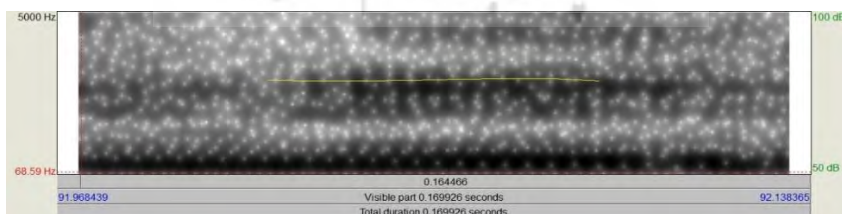
دیرش و انرژی =i و ye, 'تقدیری', [X]_j ←→ [X]_{NPi} (=i)_j یه (ye) 41. افزایشی بیشتر

همان‌طور که ذکر شد، در این ساخت نیز حرف تعریف کاربردی «(یه)» نسبت به حرف تعریف دستوری «(یه)»، دیرش بیشتری دارد و با افزایش تدریجی انرژی همراه است. به‌منظور مشاهده این هم‌بسته‌های آوایی، در زیر طیف‌نگاشت (۸) «(یه)» در شاهد (۴۰) ارائه می‌شود:



طیف‌نگاشت ۸- حرف تعریف «(یه)» در ساخت «(یه ماشینی)» در جمله ۴۰

در این طیف‌نگاشت نیز همان‌طور که مشخص است، دیرش «(یه)» برابر با «(۱۵/۰ ثانیه)» و بیشتر از دیرش آن در نقش دستوری «(نامعین)» «(۰/۰۹ ثانیه)» است و افزایش انرژی تولید این عنصر زبانی در این ساخت کاملاً روشن است. در زیر طیف‌نگاشت (۹) واژه‌بست کاربردی نامعین «(=i)» نیز در نمونه (۴۰) به‌دست داده شده است:



طیف‌نگاشت ۹- واژه‌بست «(=i)» در ساخت «(یه ماشینی)» جمله ۴۰

براساس طیف‌نگاشت بالا، دیرش این واژه‌بست (۰/۱۶ ثانیه) در نقش کاربردی بیشتر از دیرش آن در نقش دستوری رمزگذاری مفهوم «نامعین» (۰/۱۰ ثانیه) است. علاوه بر این افزایش نسبی انرژی این واژه‌بست در این طیف‌نگاشت مشخص است. در پیکره این پژوهش، تنها معنای کاربردی 'تقدیری' با بهره‌گیری از این ساخت یافت شد. اما، با بررسی پیکره‌های دیگر ممکن است نقش‌های کاربردی دیگری نیز برای این ساخت بتوان یافت؛ از قبیل نقش‌هایی که برای دیگر نشانه‌های کاربردی «نامعین» ('تحقیری' و 'تأکیدی') ذکر شد.

در فارسی معاصر، گاهی در نقش‌های کاربردی حرف تعریف «یه (ye)» به صورت «یک (yak)» ظاهر می‌شود، مانند نمونه زیر از پیکره:

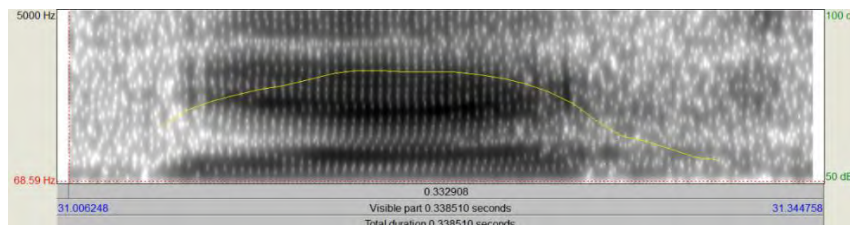
۴۲. یه ویلایی تو شمال داره یک تمیز، یک باصفا، یک ویلایی.

در نمونه فوق، عنصر زبانی «یک (yak)» علاوه بر گروه‌های اسمی، با گروه‌های صفتی نیز همراه شده است و معنای 'تأکیدی' را می‌رساند و در ترکیب با واژه‌بست «ی (=i)» همانند ساخت (۴۱)، معنای کاربردی 'تقدیری' را رمزگذاری می‌کند. طرحواره‌های این ساخت‌ها به قرار زیرند:

43. [yak ... [X]_{NPI=i}]_j ↔ [X]_j, 'تقدیری', yak و i= و دیرش و انرژی افزایشی
بیشتر

44. [yak [X]_{API}]_j ↔ [X]_j, 'تأکیدی', yak بیشتر و انرژی افزایشی

در طرحواره (۴۳) نیز ویژگی‌های آوایی واژه‌بست «ی (=i)» همانند ویژگی‌های آوایی آن در دیگر ساخت‌های کاربردی است که قبلاً ذکر شد. صورت «یک (yak)» در این دو طرحواره دارای دیرش بیشتری از صورت حرف تعریف «یک (yek)» در نقش دستوری رمزگذار مفهوم «نامعین» است و شدت انرژی تولیدی آن نیز بیشتر است. در زیر ابتدا طیف‌نگاشت (۱۰) صورت «یک (yak)» را در عبارت «یک تمیز (yak tamiz)» به دست می‌دهیم:

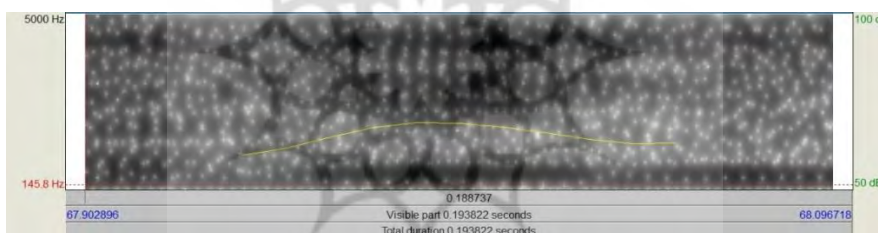


طیف‌نگاشت ۱۰- حرف تعریف کاربردی «یک (yak)» در ساخت «یک تمیز» در جمله ۴۲

در طیف‌نگاشت فوق، «یک (yak)» دیرشی برابر با «۳۳/۰ ثانیه» دارد و میزان فراز و نشیب شدت انرژی تولیدی آن نیز مشخص است. لازم است این طیف‌نگاشت را با طیف‌نگاشت صورت «یک (yek)» در مقام «حرف تعریف نامعین» در شاهد زیر مقایسه کرد:

۴۵. در یک مقایسه تطبیقی چگونه می‌تونیم از اون تجربه استفاده بکنیم.

طیف‌نگاشت (۱۱) در زیر مربوط به صورت «یک (yek)» در شاهد فوق است:



طیف‌نگاشت ۱۱- حرف تعریف کاربردی «یک (yek)» در ساخت «یک مقایسه» در جمله ۴۵

براساس طیف‌نگاشت بالا، دیرش «یک (yek)» «۱۸/۰ ثانیه» در نقش رمزگذاری مفهوم «نامعین» کم‌تر از مقدار آن در مقایسه با صورت «یک (yak)» است و میزان انرژی تولیدی آن نیز به مراتب کم‌تر از «یک (yak)» است.

به‌طور خلاصه، براساس پیکره و تحلیل‌های آوایی صورت‌گرفته، نشانه‌های نامعین «یه/یک (ye/yak)»، «یه/یک ... ی (=i)» و «یه/یک ... ی (=i)» علاوه بر معنای دستوری، معنای کاربردی را رمزگذاری می‌کنند. نشانه نامعین «ی (=i)» رمزگذار سه معنای کاربردی «تأکیدی»، «تقدیری» و «تحقیری» است. نشانه نامعین «یه (ye)» معنای کاربردی، «تأکیدی» و «تحقیری» را می‌رساند و نشانه‌های «یه/یک ... ی (=i)» تنها بیانگر معنای کاربردی «تقدیری»

هستند، اما نشانه «یک (yak)» به‌تنهایی فقط با گروه‌های صفتی کاربرد دارد و معنای 'تأکیدی' را رمزگذاری می‌کند. در تحلیل‌های آوایی مشخص شد، تمام این نشانه‌ها در رمزگذاری معناهای کاربردی 'تأکیدی'، 'تقدیری' و 'تحقیری' دارای دیرش بیشتری نسبت به همتای دستوری خود هستند، یعنی تکیه‌براند؛ البته ذکر این نکته لازم است که این نشانه‌ها در نقش‌های 'تأکیدی' و 'تقدیری' نسبت به نقش 'تحقیری' دیرش کم‌تری دارند و در رمزگذاری دو نقش اول گاهی افزایش انرژی تدریجی و در نقش بعدی کاهش انرژی تدریجی از خود نشان می‌دهند. براساس پیکره این پژوهش، سه نقش «تقدیری»، «تأکیدی» و «تحقیری» برای ساخت‌های «نامعین کاربردی» در فارسی قائل هستیم. این سه نقش، نقش‌هایی که پژوهشگران تاکنون برای این دست ساخت‌ها با نامی دیگر به آن‌ها اشاره کرده‌اند را نیز دربرمی‌گیرند. برای نمونه، در بخش دوم این پژوهش، شاهدی را از لغت‌نامه دهخدا ذکر کردیم: «چه مرد زشتی!». دهخدا معتقد است که نشانه «نامعین کاربردی» در این شاهد معنای «تعجبی» را می‌رساند، اما درحقیقت این شاهد در زمره نقش «تأکیدی» قرار می‌گیرد. نمونه دیگر، شاهد «عنکبوتی می‌شود پیغمبری را پرده‌دار (فیلوت، ۱۹۱۹: ۱۳۳) است؛ در حالی که پاول (۲۰۰۸) آن را در دسته معنای «احترام یا تعظیم» قرار می‌دهد، این نقش می‌تواند در دسته نقش «تقدیری» این پژوهش قرار گیرد. بنابراین، در پژوهش حاضر یک طبقه‌بندی نو و روشمند از نقش‌های ساخت‌های «نامعین کاربردی» به‌دست داده‌ایم.

۷ نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی معناهای کاربردی ساخت‌های «نامعین» در فارسی معاصر از منظر دستور ساختی پرداختیم. در فارسی معاصر، ساخت نامعین کاربردی معناهای 'تأکیدی'، 'تقدیری' و 'تحقیری' را رمزگذاری می‌کند. طرزواره‌های ساخت‌های نامعین کاربردی با حضور پی‌بست نامعین «(=i)» در فارسی معاصر به قرار زیرند:

$$46. [(če/ʔajab) \dots [X]_{NPI=i}]_j \longleftrightarrow [X]_j, 'تحقیری', =i = \text{دیرش بیشتر و کاهش انرژی}$$

$$47. [(če/ʔajab) \dots [X]_{NPI=i}]_j \longleftrightarrow [X]_j, 'تأکیدی یا تقدیری', =i = \text{دیرش بیشتر و افزایش انرژی}$$

همان‌طور که از طرحواره‌های فوق برمی‌آید، از آنجا که داده گفتاری از این دوره از زبان فارسی در دسترس است، با تحلیل‌های آوایی با بهره‌گیری از نرم‌افزار پرت ۶/۰/۰۸ مشخص شد، در نقش‌های کاربردی نشانه «نامعین» «ی (=i)» تکیه‌بر و هم‌بسته دیرش برای درک این تکیه بسیار پراهمیت است.

علاوه بر این ساخت‌ها، در فارسی معاصر حرف تعریف «یه (ye)» نیز بیانگر معناهای کاربردی 'تأکیدی' و 'تحقیری' است. به دنبال معناهای کاربردی نشانه «ی (=i)» و «یه (ye)»، صورت ترکیبی «یه ... ی (=i ... ye)» نیز رمزگذار معنای کاربردی 'تقدیری' است؛ طرحواره‌های این ساخت‌ها در زیر آمده است:

48. $[ye [X]_{NPi=i}]_j \longleftrightarrow [X]_j$, 'تقدیری', ye و i= دیرش و افزایشی انرژی

49. $[ye [X]_{seni}]_j \longleftrightarrow [X]_j$, 'تأکیدی', ye = دیرش بیشتر و افزایش انرژی

50. $[ye [X]_{NPi}]_j \longleftrightarrow [X]_j$, 'تحقیری', ye= دیرش بیشتر و کاهش انرژی

در این دوره از زبان فارسی، صورت دیگر حرف تعریف، یعنی «یک (yak)» تنها رمزگذار نقش‌های کاربردی است. این عنصر زبانی در ترکیب گسسته با «ی (=i)» فقط نقش کاربردی 'تقدیری' و به صورت مستقل تنها با گروه‌های صفتی به کار می‌رود و نقش کاربردی 'تأکیدی' را رمزگذاری می‌کند؛ طرحواره‌های زیر بیانگر چنین ساخت‌هایی هستند:

51. $[yak \dots [X]_{NPi=i}]_j \longleftrightarrow [X]_j$, 'تقدیری', yak و i= دیرش و افزایش انرژی

52. $[yak [X]_{APi}]_j \longleftrightarrow [X]_j$, 'تأکیدی', yak دیرش و افزایش انرژی

به طور کلی، تمام این نشانه‌های «نامعین کاربردی» در مقام رمزگذاری معناهای کاربردی 'تأکیدی'، 'تقدیری' و 'تحقیری' تکیه‌براند. بنابراین، دارای دیرش بیشتری نسبت به هم‌تای دستوری خود در نقش رمزگذاری مفهوم دستوری «نامعین» هستند و در رمزگذاری دو نقش 'تأکیدی' و 'تقدیری' معمولاً افزایش انرژی تدریجی و در نقش 'تحقیری' کاهش انرژی تدریجی از خود نشان

می‌دهند. این نقش‌ها را می‌توان به دو دسته معناهای کاربردی تقسیم کرد: الف) معنای کاربردی «مثبت» و ب) معنای کاربردی «منفی». نقش‌های 'تأکیدی' و 'تقدیری' در دسته مثبت و نقش 'تحقیری' در دسته منفی جای می‌گیرد؛ در این تقسیم‌بندی، اصطلاح «مثبت» معنای «خوب» و «منفی» معنای «بد» را نمی‌رساند؛ بلکه، براساس خصوصیات آوایی نشانه‌های زبانی کاربردی این تقسیم‌بندی صورت گرفته است. یعنی، در دسته «مثبت» نشانه‌های زبانی کاربردی دیرش بیشتری را از همتای دستوری خود و کم‌تر از دسته منفی از خود نشان می‌دهند و شدت انرژی آن‌ها معمولاً به تدریج افزایش می‌یابد. در مقابل، نشانه‌های زبانی کاربردی در دسته «منفی»، دیرش بیشتری نسبت به نشانه‌های زبانی کاربردی در دسته مثبت و همتای دستوری خود دارند و از انرژی تولیدی آن‌ها به تدریج کاسته می‌شود. با بررسی پیکره‌های زبانی دیگر ممکن است بتوان برای ساخت‌های «نامعین» در این دو دسته «مثبت» و «منفی»، نقش‌های کاربردی دیگری نیز قائل شد.

منابع

- ابن‌الرسول، سیدمحمدرضا و محمد رحیمی خویگانی (۱۳۹۳). «انواع «ی» در زبان فارسی امروز». فنون ادبی، ۲، ۴۹-۵۸.
- اسدی، فرزندق (۱۳۸۲). گزیده شعر فارسی. تهران: انجمن شاعران ایران.
- چوبک، صادق (۱۳۹۵). انتری که لوطیش مرده بود. تهران: انتشارات جاویدان.
- حلمی، أحمد کمال‌الدین (۱۹۹۳). مقارنة بين النحو العربي و الفارسی. الكويت: جامعة الكويت.
- دهخدا، علی‌اکبر. (بی‌تا). لغت نامه دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، ج ۴۴: حرف «ی»، تهران: سیروس.
- صادقی، وحید (۱۳۹۱). «درک شنیداری تکیه و واژگانی در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۲، ۱۵۳-۱۷۶.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی. ترجمه سید مهدی سمائی. تهران: نشر مرکز.
- مشکین‌فام، مهرداد و مهرداد نغزگوی‌کهن (۱۴۰۰). «دستوری‌شدگی حرف تعریف نکره در فارسی باستان». جستارهای زبانی، ۱۲ (۴)، ۷۱-۳۳.
- معین، محمد (۱۳۶۳). اسم جنس و معرفه و نکره. تهران: امیر کبیر.
- هدایت، صادق (۱۳۳۰). حاجی آقا. تهران: انتشارات جاویدان.
- Abbott, B. (2004). "Definiteness and indefiniteness". The handbook of pragmatics. L. R, Horn, & G. L, Ward (Eds.), Oxford: Blackwell, 122-149.

- Abbott, B. (2006). "Definite and indefinite". *Encyclopedia of language and linguistics*. 3, 392-399.
- Beckman, M. E. (1986). *Stress and non-stress accent*. Foris: Dordrecht.
- Brunner, C. J. (1977). *A syntax of western Middle Iranian*. New York: Caravan Books.
- Chrabaszcz, A., M. Winn, C. Y. Lin, & W. J. Idsardi (2014). "Acoustic cues to perception of word stress by English, Mandarin, and Russian speakers". *Journal of speech, language, and hearing research*. 57 (4), 1468-1479.
- Croft, W. (2001). *Radical construction grammar: Syntactic theory in typological perspective*. Oxford: Oxford University Press.
- Croft, W., & D. A. Cruse (2004). *Cognitive linguistics (Cambridge Textbooks in Linguistics)*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Fry, D. B. (1955). "Duration and intensity as physical correlates of linguistic stress". *The Journal of the Acoustical Society of America*. 27 (4), 765-768.
- Goldberg, A. E. (2006). *Constructions at work: The nature of generalization in language*. Oxford: Oxford University Press.
- Haig, G., & M. Rasekh-Mahand (2020). *HamBam: The Hamedan-Bamberg Corpus of Contemporary Spoken Persian*. (multicast.aspra.uni-bamberg.de/resources/hambam/)
- Heine, B., & T. Kuteva (2006). *The changing languages of Europe*. Oxford University Press.
- Hilpert, M. (2008). *Germanic future constructions: A usage-based approach to language change*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Hoffmann, T., & G. Trousdale (2011). "Variation, change and constructions in English". *Cognitive linguistics*. 22, 1-23.
- Hollmann, W. B. (2003). *Synchronic and diachrony of English periphrastic causatives: Adiachronic perspective*. PhD dissertation, University of Manchester.
- Lackoff, G. (1987). *Women, fire, and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lambton, A. K. S. (2003). *Persian Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Langacker, R. W. (2005). "Construction grammars: Cognitive, radical, and less so". *Cognitive linguistics: Internal dynamics and interdisciplinary interaction*, 32, 101-159.
- Lehiste, I. (1970). *Suprasegmentals*. MIT. Cambridge: MA.
- Michaelis, L. A., & K. Lambrecht (1996). "Toward a construction-based theory of language function: The case of nominal extraposition". *Language*. 72, 215-247.
- Paul, D. (2008). "The individuating function of the Persian "indefinite suffix". *Aspects of Iranian linguistics*. S. Karimi, V. Samiiian, & D. Stilo (Eds.), Newcastle: Cambridge Scholars Publishing, 309-328.
- Phillott, D. C. (1919). *Higher Persian grammar for the use of the Calcutta University, showing deferences between afghans and modern Persian with notes on rhetorics*. Calcutta: The University Press.
- Platts, J. T. (1911). *A grammar of the Persian language. Part 1. Accidence*. Revised and enlarged by G. S. A. Ranking. London: Williams and Norgate.
- Salemman, C. (1930). *A Middle-Persian Grammar*. Translated from German by L. Bogdanov, Bombay: The trustees of the Parsee Punchayet Funds and Properties.
- Välímää-Blum, R. (1993). "Intonation: a distinctive parameter in grammatical constructions". *Phonetica*. 50 (2), 124-137.